

در شماره‌های قبلی، عمدتاً به بررسی دیدگاه‌های دکتر موریس بوکای فرانسوی در زمینه تعالی علمی قرآن و برتری آن بر عهدین و تناقض‌هایی که در کتب تحریفی تورات و انجیل آمده، پرداختیم و نمونه‌های جالب توجه آن را با ذکر آیات و روایات آورده‌ایم. اینک به سراغ یکی دیگر از دانشمندان اروپایی می‌رویم، که در رابطه با جایگاه رفیع علمی مسلمانان و تأثیر پذیری آنها از کتاب مقدسشان یعنی قرآن کریم، مطالب ارزشمندی را گوشزد کرده است، از آنجا که بسیاری از خوانندگان جوان، طالب تفصیل و اشارت‌های روشن و جزئی هستند، در دیدگاه جدید دیگری که در این زمینه آورده‌ایم و به شرح و توسعه آن پرداخته‌ایم که بخشی از آن را ملاحظه خواهید فرمود.

دانشمند اروپایی به نام «هرتویک هیر چفلد»^(۱)، در کتاب قرآن از منظر اروپاییان^(۲)، نظرات منصفانه و عالمانه خود را چنین نوشته است.

«از اینکه قرآن را سرچشمه علوم می‌یابیم، نباید تعجب کنیم، تمام موضوعاتی که مربوط به آسمان‌ها، زمین، زندگی انسان، تجارت و انواع گوناگون معاملات است؛ در سطح عالی قرار گرفته و ماهرانه است. بدین طریق قرآن عهده‌دار بحث‌های بزرگی است و توسعه شگفت‌انگیز جهان اسلام در تمام شعب علوم غیر مستقیم

قرآن

از منظر

دانشمندان...

خدیجه معین



مادیون آن است؛ و آن نه تنها حرب را به دانش تشویق کرد، بلکه فلاسفه یهود را نیز وادار و ترغیب کرد که مسائل مذهبی و ماوراء الطبیعه را به روش حرب با تعقیب کنند.
جنب و جوش علمی و عقلانی که در بین دستجات مسلمین آغاز شد، تنها مستند به افکار مربوط به الهیات نبود، و قوف بر نوشته های فلسفی، ریاضی، نجومی، و طبی یونان منجر به تعقیب اینگونه مطالعات گردید.

در الهامات قرآنی که برای مردم بیان شده است، محمد (ص) کرازا توجه مردم را به جنبش آسمانی و توجه معنوی اشخاص، جلب می کرد، همانطور که قسمت دیگری از آیات الهی آنان را به خدمت و کمک کردن به مردم - البته نه تا سر حد بندگی و عبادت - وادار می کند.
مردم مسلمان از هر نژادی که بودند با موفقیت عجیبی به تحقیق و بحث علمی پرداختند، بررسی علم نجوم نشان می دهد که مسلمین قرن ها نگهدار این علم بودند، حتی هم اکنون نیز بسیاری از اسامی عربی ستاره ها و اصطلاحات فنی در بین ما بکار می رود. منجمین قرون وسطایی اروپا، شاگردان حرب ها بودند. و به همین ترتیب قرآن تحولی در مطالعات طبی ایجاد کرده و دستور بررسی عالم طبیعت را به طور کلی دارد.
این بخشی از مطالب این دانشمند متصنف اروپایی است که مهمترین محورهای گزاره های او بدین شرح است:
الف: قرآن سرچشمه علوم است.
ب: توسعه شکفت انگیز جهان اسلام در تمام شعب علوم، همین قرآن است.

د: تاثیر این فرهنگ حتی بر عالمان یهود و تعقیب مسائل ماورایی و مذهبی به روش حرب ها.

ه: اشراف مسلمانان بر علوم یونانی و گسترش موضوعات و مطالب آن و تاثیر گذاری قرآن کریم در بالندگی آنان مؤثر بوده است.

و: الهامات قرآنی حضرت محمد (ص) توجه معنوی به خدا را برانگیخت و بخش هایی از آیات قرآن، مسلمانان را به خدمت خلق و نه تا سر حد بندگی، بر می انگیزت.
ز: همه نژادهای مسلمانان به علوم می پرداختند و بررسی علم نجوم نشانه نگرانی مسلمانان در این دانش گسترش یافته است و منجمین قرون وسطی شاگرد حرب های مسلمان بودند و نیز تاثیر قرآن بر دانش پزشکی حائز اهمیت است.

در مورد بند «الف» و «ب» با توجه به اینکه دیدگاه های دکتر بوکای را در شماره های قبلی، بررسی کردیم، و مطلب تفصیلی را با استناد به آیات و روایات، بسط داده و مطرح نمودیم لزومی به تکرار آن نیست. و توجه علاقه مندان را به مجله های قبلی کوفر جلب می نمایم.

سمی بر این است که راجع به پنج بند دیگر، در این شماره، و شماره های بعدی نکته هایی را با توجه به دیدگاه های دیگر دانشمندان (مسلمان و غیر مسلمان) گوشزد نمایم.
خوانندگان محترم! به نظر می رسد در این برهه زمانی و یا در هر فرصت مناسب چنین مباحثی مطرح شود، زیرا معاندان قرآن و اسلام، از دیرباز در صدد حذف افتخارات مسلمین بوده و هستند.



و اکنون که جوانان مشتاق علم و دانش در جهت علوم جدید و روز، سخت می کوشند و به حمد الله هلاک‌نمیزد به فرا گرفتن آنها هستند، و متأسفانه اکثر منابع، استناد به منابع خارجی و اکثراً مغرب‌زمین به غیر مسلمانان است، لذا چنین تصور نکنند یا چنین به آنها القاء نکنند، که قرآن و بزرگان و صحابه مخالف پیشرفت علم و دانش جدید هستند؛ و به ویژه اکنون که با شیوه‌های مختلف و غیر مستقیم، ایمان پاک جوانان را مغشوش می کنند و ایجاد فاصله با مبانی دینی می نمایند. جوانی که شیفته علوم جدید است و غرق در زیبایی های این علوم، آیا با پر کردن ذهن او، مبنی بر مخالفت داده های دینی با علم و دانش چه حالی پیدا خواهد کرد؟ خصوصاً اگر مطالعات جنبی و دینی چندانی نداشته باشد.

نagفته نماند که غیر از دلایل دیگر که حتی بیگانگان اشاره کرده اند، دلیل روشن تر بر ادعای ما، که دین الهی و قرآن هیچ تضادی با علوم و دانش ندارد و خود نقش مؤثر و به سزایی در طرح و پرورش آنها دارد، گسترش رشته های مختلف علوم و گرایش های گوناگون در بستر توسعه مراکز آموزش عالی، در جمهوری اسلامی ایران نشان اهتمام ویژه تفکر شیعی در گسترش این علوم است.

دکتر «زیگرید هونکه» نویسنده کتاب فرهنگ اسلام در اروپا^(۳) در باره همین اقدامات غیر انسانی تاریخ نویسان و معاندان می نویسد:

« کسی سخنی به میان نمی آورد که در مدت قرون وسطی نزدیکترین همسایه اروپا، یعنی مسلمانان، در مدت هشتصد سال پیشرو جهان تمدن بوده اند. شکوفایی تمدن اسلامی دو برابر تمدن یونان بوده. و همین مسلمانان بودند که بهتر و مستقیم تر و همه جانبه از یونان، جهان غرب را تحت تأثیر قرار دادند.

چه کسی از آن تاریخ یاد کرده است؟! اگر تاریخ نویسان اروپایی ارزش و اعتبار یونان را به حساب می آورند، خود بر حسب اجبار صورت می گیرد. و آنچه این تاریخ نویسان اروپایی در مورد نقش هشتصد ساله تمدن اسلامی بیان می کنند، این است که مختصراً می گویند مسلمانان سبب رساندن گنجینه تمدن اروپا بودند! این تنها چیز مثبتی است که اروپاییان درباره اعراب و مسلمانان اظهار کرده اند، در حالی که با این بیان، نقش مسلمانان را به حد یک نامه رسان تاریخ تخفیف می دهند که گویی، اینها بسته تمدن یونان قدیم را از لای در به داخل اروپای غربی فرو کرده و رفته اند!!

و یا این دانشمند منصف (دکتر هونکه) می گوید: در همین چند سال پیش کتابی منتشر شد درباره تاریخ علم و تمدن اروپا که از ابتدا، تا گالیله، کپلر و نیوتون در آن بحث شده بود؛ یعنی از ابتدای تاریخ تا ۱۶۴۲ میلادی، نویسنده در چنین کتاب ۶۰۰ صفحه ای، سrote همه آنچه را مربوط به اعراب و مسلمانان بود، فقط در دو صفحه! به هم آورده بود؛ این نویسنده، اضافه بر این، با روشی تحقیر آمیز، به فعالیت های چند جانبه تمدن و کارهای علمی و هنری و صنعتی مسلمانان، که اروپا و بشریت از آنان سپاسگزارند، نمره مردود عطا کرده است! دکتر هونکه در جای دیگر می نویسد: نویسنده کتاب تاریخ که غیر منصفانه و مفرضانه عمل کرده است. « با وجود این مسلمانان تنها، وسیله حفاظت و دست به دست دادن تمدن بوده اند. آنها فقط دارای روش علمی محقرانه، و خود جوشی کمی بوده اند! و آنها روی گنجینه علوم یونانی کار چندانی نکرده اند تا آن علوم برایشان شمر ثمر واقع شود. به تئوری کم اهمیت می دادند به این ترتیب ارضیه یونانی بار آور نشده ماند.» در ادامه «دکتر هونکه» به نقادی از گفته های نویسنده این کتاب برآمده و می نویسد: « با توجه به این چنین قضاوت های غلط، به نظر می آید به خاطر وظیفه تاریخ؛ بالاخره باید نسبت به تمدن اسلامی

احقاق حق شود، احقاق حق کسانی که تاکنون عیسویت و ناسیونالیسم اروپایی هاجز از دایره صحیح و ابراز احترام لازم در برابر آنها بوده، فعالیت‌های علمی، هنری و صنعتی شان را تحقیر کرده، بر سهم اساسی آنان در ساختمان تمدن اروپا، سرپوش گذاشته و از بیان آن خود داری کرده است.

و اینک با توجه به مطالب اولین نظرات «دکتر هرتریک هیر چفلد» نسبت به موضوعات مختلف؛ نظرات اندیشمندان مسلمان و غیره و همچنین قرآن را بیان می‌کنیم؛ در باب فلسفه و زمینه پیدایش، گسترش، نقادی و حذف و اضافه در زمینه دانش فلسفه، دیدگاه دو اندیشمند فلسفی نامور را می‌خوانیم:

استاد «محمد تقی مصباح» در کتاب «آموزش فلسفه» در این باره چنین می‌گویند: «افکار مختلف فلسفی و انواع دانش‌ها و فنون با انگیزه‌های گوناگون به وسیله دوست و دشمن، وارد محیط اسلامی، شد و مسلمانان به کاوش و پژوهش و اقتباس و نقد آنها پرداختند و چهره‌های درخشانی در عالم علم و فلسفه در محیط اسلامی رخ نمودند و هر کدام با تلاش‌های پی‌گیر خود شاخه‌ای از علوم و معارف را پرورش دادند و فرهنگ اسلامی را بارور کردند. و علماء کلام با انتقادات و خرده‌گیری‌های خودشان از فلسفه‌های وارداتی، زمینه رشد فلسفه اسلامی را فراهم ساختند. که نظام فلسفی به وسیله فارابی پی‌ریزی و به وسیله ابن سینا بارور شد»

شهید علامه مطهری در تاءبید این سخنان می‌گوید: «نهج البلاغه در تاریخ فلسفه شرق سهم عظیم دارد، صدر المتألهین که اندیشه‌های حکمت الهی را دگرگون ساخت، تحت تاءثیر عمق کلمات علی (ع) بود، روش او در مسائل توحید، بر اساس استدلال از ذات به ذات و از صفات و افعال است و همه اینها مبتنی است بر صرف الوجود بودن واجب، و آن بر پایه یک سلسله اصول کلی دیگر که در فلسفه عامه او مطرح است، بنا شده است.»

و باز ایشان درباره بارور نمودن فلسفه اسلامی و استحکام آن و تطابق با کلام

الهی، در کتاب «سیری در نهج

البلاغه» و نیز کتاب «علل

گرایش به مادی‌گری» می

نویسد: «حکمت شرق از

برکت معارف اسلام بارور

شد و استحکام یافت و بر یک

سلسله اصول و مبادی خلل

ناپذیرینا شد، ولی حکمت

الهی غرب از این مزایا محروم

ماند. گرایش به فلسفه مادی

غرب علل فراوان دارد، و به

عقیده ماعتل عمده آن ناتوانی

و نارسایی مفاهیم حکمت الهی

غرب بود؛ اگر کسی بخواهد

مقایسه‌ای در این زمینه به عمل

آورد، لازم است در اطراف برهان وجود که از: «آنسلم مقدس» تا «دکارت» و «اسپینوزا» ولایت پتتش» و «کانت» و غیره به بحث ورد و قبول آن پرداخته‌اند، مطالعه کند و آنگاه آن را با برهان صدیقین «صدر المتألهین» که از اندیشه‌های اسلامی و مخصوصاً کلمات علی (ع) الهام یافته است، مقایسه کنند، تا ببینند تفاوت ره از کجاست تا به کجا؟!»

در خاتمه یاد آور می شود که، در کتاب ارزشمند «اصول فلسفه و روش رئالیسم» از علامه طباطبائی مفسر شهیر قرآن که مقدمه و پاورقی های آن، توسط علامه شهید مطهری نگاشته شده و کتاب «علی و فلسفه الهی» از علامه طباطبائی - که منابع خوبی برای ریشه داشتن تفکر فلسفی در منابع اسلامی و به خصوص در قرآن کریم است که تفسیر آیات ذیل جهت مطالعه معرفی می شود.

«قل لو كان فيهما اله الا الله لفسدتا»^(۱)

«ما اتخذ الله من ولد وما كان معه من اله اذا لذهب كل اله بما خلق ولعلی بعضهم علی بعض»^(۲)

«ام خلقوا من غیر شیء ام هم الخالقون»^(۳)

با همه تلاش های اندیشمندان و قلم زدن ها و خون دل خوردن های آنها چرا منابع ما در دسترس نیست و آثار ارزنده دانشمندان مسلمان یافت نمی شود؟ پاسخ به این پرسش بررسی روند موضوعگیری های سردمداران ناسونالیستی را می طلبد و کینه توزی های آنان، و کم و بیش کوتاهی های خود مسلمانان در حفظ آن آثار، در این زمینه هم دکتر «زیگرید هونکه» در کتاب فرهنگ اسلام در اروپا یا (خورشید الله در مغرب زمین) می نویسد: «آنچه فاتحان مسیحی و یا بربرها از آثار علمی اسلامی و ادبیات و اشعار، از بین نبرده بودند، به وسیله مأموران و بازرسان اسقف اعظم از تمام کتابخانه ها و مخفی گاه ها بیرون کشیده و سوزانده شد، فقط در مورد چند کتاب طبی استثناء قائل شدند. طرفداران «الکسپمینس» به از بین بردن یک میلیون و پنج هزار جلد کتاب مفتخر بودند و در نتیجه ثمره کوشش های فکری بشریت، در طول هشت قرن را قربانی کینه ورزی احمقانه خویش کردند!».

والسلام.

پی نوشت ها:

۱- Hertwick - Hirschfeld

۲. قرآن از منظر اروپائیان اثر هرتریک هیرچفلد

۳. از انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی و با ترجمه مرتضی رهبانی - چاپ چهارم. ۱۳۷۳.

۴. انبیاء آیه ۲۲

۵. مؤمنون آیه ۹۱

۶. طور آیه ۳۵